

کار و زندگی

پشت میله های زندان

حالادیکرزمانه گذشته وخیلی چیزها تغییر کرده است؛ به طوری که حتی متهم هم می تواند امیدی به زندگی پس از دوران محکومیتش داشته باشد.منظورمان این است که زندگی عادی و کارکردن برایش آرزو نباشد؛ به طوری که مجبور شود پس از تمام شدن مدت حبس، همیشه یک مجرم باقی بماند. نمونه جالب و کاربردی این موضوع دارد در گوشه ای از همین کشور اتفاق می افتد؛ خبری که می تواند برای خیلی ها که حالا میان چهار دیواری زندان حبس هستند، خبری خوش باشد. موضوع این است که تعدادی از متهمان به جای ماندن در زندان، به دستور

و موافقت مقام قضایی از آنجا خارج شده اند و کنار خانواده شان زندگی و در محلی کار می کنند. این ایده را مسئولان قضایی شهرستان خاتم در استان یزد اجرایی کردند. یعنی کاری کردند که متهم هم دوران محکومیت را بگذرانند و هم کنار خانواده اش کار کند و برای جامعه مؤثر باشد. البته این کار شرط هایی هم دارد. متهمانی که برای جامعه خطری ندارند، یا حکم مقام قضایی در مکان هایی که دستگاه قضا مشخص می کند، مشغول به کار می شوند و حقوق و بیمه هم دارند. به عبارت دیگر، در دوران محکومیت سایه پدر و مادر بالای سر

یک مهمانی چند ماهه

تجربه طرح «امین موقت» به روایت یکی از زوج های داوطلب

گزارش روز



فرزانه شهاب‌مات
روزنامه نگار

روی زمین نشسته ایم؛ کنار تختخواب فاطمه. آهسته حرف می زنیم تا بیدار نشود. به عادت ماه هایی که در شیرخوارگاه گذرانده است، همچنان موقع خواب، گوشه تختش کز می کند. آنجا که بود، خیلی چیزها داشت؛ از اسباب بازی تا لباس نو و پرستارهایی که به موقع شیشه شیر می دادند به دستش و پوشکش را عوض می کردند، اما از اصل کاری های زندگی خبری نبود. فاطمه تا پیش از اینکه مهمان این خانه شود، خبر نداشت که در دنیا مردی هست به اسم بابا که وقتی کت می پوشد، یعنی می خواهد برود در رو اگر لب بچینی، دلش به رحم می آید و تو را هم با خودش می برد بیرون. این را هم نمی دانست که کسی وجود دارد به اسم مامان و یا هر قاشق غذایی که می گذارد دهانت، یک جان، هم ضمیمه اش می کند. کسی نبود تا وقتی می خندد و دندان های تازه نیش زده اش را به نمایش می گذارد، قربان صدقه اش برود. معنی فامیل، مهمانی و بوسیده شدن پیوسته لب های برجسته اش را هم نمی دانست. او در یک ونیم ماهی که مهمان خانه بریم و روح... شده، این چیزهای مهم را فهمیده است. تا چند ماه دیگر که تکلیف پرورنده قضایی و سرپرست واقعی اش تعیین شود، خدا بزرگ است. حیف بود این زمان از دست برود و فاطمه شانزده ماهه همچنان از زندگی خانوادگی بی نصیب بماند.

● لطیف و صورتی

فاطمه در بدو ورودمان به خانه، بیدار است. چشمانش به تلویزیون است و در ضمن ما را می پاید که برایش غریبه ایم. روی صندلی غذا نشاندۀ شده است و دادر شبکه پویا را تماشا می کند. پیراهن گل گلی صورتی و خنده هایی که با هر بار صدازدنش تحویلمان می دهد، لطافت دخترانه اش را دوچندان می کند.

از ماجرای زندگی او به دانستن همین قدر اکتفا کنید که مثل قدیم ها در خانه به دنیا آمده است، از مادری معتاد. وضعیت پدر که به تازگی سر وکله اش پیدا شده است، ماجرای خودش را دارد. پرونده در حال گذراندن روال زمان بر خود است. در این بین، فاطمه بود که روزهای طلایی عمرش را کنج شیرخوارگاه می گذراند، بی آنکه در این سرنوشت دخالتی داشته باشد. تا روشن شدن سرانجام پرونده، روح... و مریم پذیرفته اند که از او مراقبت کنند و به عبارتی «امین موقت» او باشند.

شاید برای زن و شوهرهایی که چتر محبتشان حداکثر روی سر فرزندان خودشان سایه می اندازد، تصمیم سختی باشد، اما برای این دو که سال هاست با یکی از مراکز وابسته به بهزیستی همکاری دارند، نه «هفت سال پیش، وقتی دخترم کلاس چهارم بود، به هم کلاسی اش گفته بود دلم خواهر می خواهد. هم کلاسی اش که بعدا فهمیدیم دختری بی سرپرست است و در یکی از مراکز شبانه روزی بهزیستی زندگی می کند، گفته بود بیا من خواهرت باشم. آن دختر به دلیل وضعیتش، امکان حضور دائم در خانه ما را پیدا نکرد. اما بهانه ای شد برای اینکه من و همسر من این مرکز آشنا شویم. ما آنجا همه تلاشمان را می کنیم تا خانواده های در معرض آسیب، بچه هایشان را نگه دارند و کار به انتقال کودک به بهزیستی و نگهداری در مراکز شبانه روزی نرسد. چون این مراکز هر چه خوب باشند، جای خانواده را پر نمی کنند. این فعالیت ها بود تا حدود یک سال پیش که شرایط قانونی برای امین موقت شدن فراهم شد و ما داوطلب شدیم، این ها را روح... می گوید. متولد ۱۳۵۹

پی می گیرد و از ذهنیت هایی می گوید که برای هیچ کدامان غریبه نیست: «تا حرف از حضانت و امین موقت بودن را پیش می کشیم، می گویند معلوم نیست پدر و مادر این بچه چه کسانی هستند. ما اگر مسلمانیم، حق نداریم گمان بد ببریم، به همان دلیل که وقتی کسی دختر من را می بیند، اجازه ندارد حتی در ذهنش بپرسد که آیا موقع خلقت تو، پدر و مادر ت عقد کرده بودند یا نه. اعتقاد دارم که باید به جای تجسس، اصل را بر صحت گذاشت. ما داریم انجام وظیفه می کنیم و کاری به این صحبت ها نداریم.»

یکی دو روز پس از ورود فاطمه، نخستین مهمانی فامیلی برگزار شد و همه، تصمیمی که خیرش را شنیده بودند، به چشم دیدند. معصومیت فاطمه با آن خنده های خواستنی اش جای او را در دل اطرافیان حسایی باز کرده است. ● سرازیر شدن برکت

بچه است دیگر. پیش بند می خواهد و کفش و لباس کوچک، همین طور اسباب بازی هایی که سرگرمش کند. شیر خشک، پوشک و چیزهایی از این دست هم که واجب است. فراهم شدن این مقدمات برای فاطمه، ساده تر از چیزی بود که مریم و روح... تصورش را می کردند؛ «بعضی چیزها را از موقعی که دخترم کوچک بود، نگه داشته بودم، مثل صندلی غذا و کالسکه برای لباس. پیش از آمدن فاطمه فکرم مشغول شده بود که چه بگیرم و چه کار کنم. اما تا آمد، برایش رسید. هنوز هم دارد می رسد. به محض ورودش به خانه ما، اطرافیان که بچه کوچک دارند، زنگ می زنند و می گفتند اگر چیزی لازم دارید، بگویید. خلاصه که فاطمه از وقتی که موضع قبلی خودش را یادش نمی آید، روح... ادامه صحبت های مریم را صریح تر

بچه هاست و کانون خانواده محترم شمرده می شود. در این دوران افراد با حفظ شأن و منزلت فردی به عنوان افراد عادی در جامعه مشغول به کار می شوند، اما از سوی دستگاه قضا زیر نظر و مراقبت هستند و اگر خدایی نکرده مرتکب جرمی شوند، دوباره به زندان بازگردانده می شوند. اثر این حکم مفید و مؤثر طوری بوده است که آمارها نشان می دهد بسیاری از این افراد حتی پس از دوران حبس، با این روش مدبرانه در همان صنف به خود کفایی رسیده اند و توانسته اند کار و بار خودشان را راه بیندازند. ساده تر این است که بگوییم می شود به آدم های مجرم

و محبوس در زندان هم فرصت زندگی داد که اگر امروز چنین کاری نکنیم، فردا با تعداد بیشتری از مجرمان سابقه دار روبه رو خواهیم شد.



عکس: محمد حسن عطارانی - شیراز

مریم با یقین درباره برکت صحبت می کند و وقتی از او می خواهیم برای آن مصداق بیاورد، می گوید: «دختر خودم وقتی اندازه فاطمه بود، خیلی بی قراری می کرد. گاهی نیمه شب ها مجبور می شدم با خود رو اورا بیرون ببریم تا آرام شود. وقتی خواب بود، کسی جرئت نداشت نفس بکشد تا مبادا بیدار شود و جیغ زدن هایش شروع شود. فاطمه این طور نیست. نگهداری اش خستگی ندارد. دوسه شب پیش که دل درد داشت، باید او را بغل می گرفتم و راه می بردم تا آرام شود. سابقه کمردرد دارم. با این حال، فردای آن روز اثری از خستگی و کمردرد در من نبود. خودم هم تعجب کردم. اگر این انرژی و توان، اسمش برکت نیست و کار خدانیست، پس چیست؟»

● به انتخاب خدا

ترس از تورم و اینکه عضوی جدید، هر چند موقت، با هزینه هایش به خانواده اضافه شود، دغدغه ای است که برای نان آور خانواده جدی تر از دیگران است. برای روح... که در کار فروش قطعات خودرو است، هم این دغدغه ها مطرح بود؟ او می گوید: «در زندگی اهل حساب و کتاب هستم. خواستم بود که این بچه خرج دارد و اگر مریض باشد، دوا و درمان می خواهد. اما به این جنبه فکر نکردم و چرتکه نینداختم. فقط به وضعیت بچه فکر کردم.» با اینخند ادامه می دهد: «شاید باورتان نشود، اما از وقتی فاطمه آمده است، دیگر لازم نیست برای هزینه های زندگی حساب و کتاب کنم. خودش جور می شود و این یعنی برکت.» مریم به نقل از دخترش که مهبای شرکت در کنکور سراسری است نیز این طور تعریف می کند: «دخترم می گوید با آمدن فاطمه زمانم برکت پیدا کرده است و بهتر به تست زدنم می رسم.»



طرح مهمان (امین موقت) در یک نگاه

کلیات طرح

با حکم دستگاه قضایی، فرزندان بدسرپرست از خانواده زیستی شان جدا و تحویل بهزیستی می شوند. خانواده های متقاضی که صلاحیت لازم را داشته باشند، تا زمانی که به تشخیص دستگاه قضا، خانواده زیستی صلاحیت نگهداری از فرزند را احراز کند، می توانند نگهداری یکی از این کودکان را به عنوان مهمان بپذیرند. مدت حضور هر کودک در خانواده، بنا به وضعیت کودک متغیر و حدود شش ماه تا دو سال است.

رده سنی کودکان واگذار شده

محدودیت ندارد. بیشترشان نوزاد تا شش سال هستند.

هدف طرح

تأمین نیازهای عاطفی و روانی در کودکان محروم از نعمت خانواده



سال

۱۴۰۰

آغاز اجرای طرح در خراسان رضوی

۳۲ درصد

سهم فرزندان معلول یا نیازمند به درمان از واگذار شده ها

۲۰۵ نفر

تعداد فرزندان واگذار شده در استان (تا اسفند ۱۴۰۰)

نحوه اعلام آمادگی زوجین برای قبول سرپرستی موقت کودک

مراجعه به مؤسسه بهرویش واقع در مجتمع شوق زندگی (خواجه ربیع۷)

از سال پیامک به سامانه پیام کوتاه به شماره ۰۸۴-۳۳۰۰۳۳۰۰

شرایط عمومی برای پذیرش کودک به صورت مهمان

میانگین سنی زوجین بیش از سی سال و گذشت دست کم پنج سال از ازدواج

برخورداری از سلامت جسم و روان

نداشتن اعتیاد به الکل و مواد مخدر

صلاحیت اخلاقی

نداشتن سوءسابقه

داشتن توانمندی و انگیزه کافی

گرفتن تأییدیه های لازم از مراجع ذی صلاح و شرکت در دوره های آموزشی مرتبط

چشم‌تان روشن

چشم‌تان روشن

خبرهایی که حال دلمان را خوب می کند برای ما ارسال کنید

به قول قدیمی ها، آدمیزاد به امید زنده است. برای امیدواری بهانه که هیچ، دلیل ها هم فراوان اند. می گویند نه؟ کافی است هر روز به، چشم‌تان روشن، سری بزنید و به خبر خوشی که از میان انبوه خبرهای خوب هر روز انتخاب کرده ایم، نگاهی بیندازید. کوچک یا بزرگ، فرقی نمی کند، اگر شما هم خبر خوشی دارید، با ما در میان بگذارید تا با کمک همدیگر، حس خوب زندگی را با هم شهر یانمان به اشتراک بگذاریم. راه ارتباطی مان، مستقیم و نزدیک است. کافی است به شماره ۰۹۱۵۸۲۳۴۹۶۴ - پیامک بدهید تا در کوتاه ترین زمان با شما تماس بگیریم و چشم مردم را به خبر خوش‌تان روشن کنیم.

خبر



پویش «مهر واره در محضر ولی نعمتان» با هدف شناخت

ظرفیت های محلی و مردمی آغاز به کار کرد

با هم هیچ گره ای کور نیست

گروه جامعه سازمان های مختلف گاهی برنامه ها و فعالیت ها و پویش هایی را در مناسبت ها برگزار می کنند، اما همگی نتوانسته اند که شهروندان را در جریان برپایی آن ها دخیل کنند، در حالی که برنامه هایی با حضور خانواده ها اثرگذاری بیشتری داشته و توانسته است اهداف فرهنگی و نیت برگزارکنندگان را به ثمر برساند. براساس اعلام مسعود فیروزز، مدیرکل بهزیستی استان، یکی از همین برنامه ها به نام پویش «مهرواره در محضر ولی نعمتان» آغاز شده و قرار است با مشارکت همه گروه های مردمی و همین طور نهادها اجرایی شود. او با اشاره به اینکه هدف این پویش ایجاد تعامل بین مراکز مثبت زندگی با مجموعه ها، کنشگران مردمی و اجتماعی در راستای حل مسائل جامعه هدف سازمان و مشکلات مددجویان با رویکرد محله محوری است، می گوید: «این پویش حرکتی مردم پایه، هم افزا و مسئله محور در راستای ایجاد ابخند و حل مسائل جامعه هدف بهزیستی در سطح محلات است. افتخار می کنیم که در ما اول سال، ما نیز قطره ای برای پیوستن به آقیانوس بی کران کرامت خواهیم شد. این طرح با مشارکت و همکاری دیگر دستگاه ها و نهادها، اقدامی بسیار مثبت و ویژه را به برکت ماه مبارک رمضان رقم خواهد زد. امیدواریم بتوانیم در این مسیر شعار این طرح «با هم هیچ گره ای کور نیست، را محقق سازیم و با همکاری سازمان ها و نهاد های همکار، دست به دست هم بدهیم و در راستای بازکردن گره های سخت زندگی جامعه هدف بهزیستی گام های مثبتی برداریم و در مسیر خدمت به این عزیزان که صاحبان اصلی انقلاب اسلامی هستند، حرکت کنیم.» فیروزز به این نکته اشاره می کند که: «این پویش بستر بسیار مناسبی برای همکاری یکایک افراد جامعه مهیا می کند، زیرا سال هاست شاهد این هستیم که دشمن بر ازمه پاشیدن اجتماعات مردمی دست گذاشته است. رهبر معظم انقلاب نیز همواره درباره ساختار سازی برای مشارکت مردم و ایجاد حرکت عمومی با محوریت کنیم تا این روش به جریان ملی بدل شود. در تلاشم که این موضوع را به صورت جریانی هدفمند ادامه دهیم و از این ظرفیت مناسب استفاده کنیم.»

مدیرکل بهزیستی استان در این باره که مسجد اولین سازه راهبردی در جهان اسلام است و نگاه ما در سازمان بهزیستی همواره این است که مراکز مثبت زندگی را به مساجد گره بزنیم، یادآور می شود: «مراکز مثبت زندگی با رویکرد محله محوری و حل مسائل جامعه هدف تشکیل شده اند. یکی از روش ها برای یویایی مراکز مثبت زندگی استفاده از ظرفیت دیگر نهاد های مردمی و جهادی با رویکرد مسئله محور در راستای ارائه خدمات با کیفیت و رفع مشکلات گروه های هدف و افراد زیر پوشش است. امیدواریم در میدان عمل استانداردهای شده و با رویکرد مشخص و حمایت کشوری انجام گرفته است و امیدواریم که این افتتاحیه باعث شود در سال های آینده نیز این همکاری ها همچنان ادامه یابد.»

فیروزز در پایان ضمن قدردانی از نهادها و سازمان های همکار در این پویش گفت: «این طرح ها یک استاندارد را برای پیمودن مسیر مشخص می کنند. در استان خراسان رضوی خوشبختانه همواره شاهد همکاری بسیار مثبتی بین نهادها و سازمان های همکار با بهزیستی بوده ایم. خوش حالیم که این اتفاق استانداردسازی شده و با رویکرد مشخص و حمایت کشوری انجام گرفته است و امیدواریم که این افتتاحیه باعث شود در سال های آینده نیز این همکاری ها همچنان ادامه یابد.»

چشم‌تان روشن